

نگاهی گذرا به روابط فرهنگی ایران و شبه قاره پس از ورود اسلام

دکتر محمد سلیم مظهر* ☆

سلطنت ساسانیان در دورهٔ حضرت عمر[ؓ] به دست مسلمانان عرب از میان رفت و ایران جزو سرزمینهای اسلامی شد؛ در این دوره روابط ایران با شبه قاره گسترش بیشتری پیدا کرد- درباره راه یافتن اسلام به شبه قاره در هیچ یک از آثار مورخین اسلامی مانند "مسعودی" و "یعقوبی" و سپس در مآخذی چون "چچنامه" "تاریخ بناکتی" "حبیب السیر" "روضه الصفا" و "تاریخ فرشته" شاهد و قرینه ای نیست که دلالت بر آن کند که در عهد پیامبر اسلام (ص) کسی برای ابلاغ رسالت آن حضرت و تبلیغ اسلام به شبه قاره رفته باشد- (۱)

اولین ارتباطی که میان دنیای اسلام و سرزمین شبه قاره برقرار شد، در زمان خلافت حضرت عمر (حک ۱۳-۲۳ ق) رضی الله عنه بود، زمانی که لشکریان اسلام به فرماندهی حکم بن عمرو تغلبی به مکران حمله کردند و در راه لشکر مسلمانان با ایرانیان روبرو شدند و ایرانیان با کمک

* عضو هیئت علمی گروه ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

راجه های هند با ارتش مسلمانان جنگ کردند، ولی شکست خوردند- اگرچه حضرت عمر (رض) و حضرت عثمان (رض) مخالف لشکر کشی به هندوستان بودند، ولی برمرزسند میان مسلمانان مکران و راجه های سند کشمکش هایی رخ می داد- (۲)

در سال ۲۱ ق/ ۶۴۱ م ایران به دست مسلمانان فتح شد و در ۶۲۳ م مکران نیز به قلمرو مسلمانان درآمد، در زمان امویان (حک ۲۱-۳۲ ق/ ۶۶۱-۷۵۰ م) مسلمانان چندین بار به شبه قاره لشکر کشی کردند، ولی کاری پیش نبردند، تادر دوره خلافت ولید بن عبدالملک بن مروان (حک ۸۶-۹۶ ق/ ۷۰۵-۷۱۵ م) والی عراق حجاج بن یوسف، عمادالدین محمد بن قاسم ثقفی ربا هفت هزار سواره نظام برای حمله به شبه قاره مامور کرد، وی در ۹۳ ق/ ۷۱۱ م به سند حمله برد و این ناحیه تا ملتان به تصرف او درآمد- از آن به بعد سند تا مدت ۲۰۰ سال جزو سلطنت امویان و عباسیان ماند- (۳)

محمد بن قاسم پیش از لشکر کشی به سند، شش ماه در شیراز اقامت داشت (۴) وی آنجا را دوباره آباد کرد و لشکرگاه اسلام ساخت (۵) با توجه به ارتباط محمد بن قاسم با شیراز و شواهدی که تاریخ نویسان از آنها ذکر کرده اند، این امر به اثبات می رسد که اهل فارس در لشکر محمد بن قاسم شرکت داشتند- (۶)

مولوی ذکاء الله عقیده دارد که فتح سند رادر فتوحات عربها شمردن اشتباه است، زیرا که این فتح به دست لشکر ایرانیان صورت گرفت که محمد بن قاسم فرماندهی آن رابه عهده داشت- (۷) در نتیجه فتح سند به

دست مسلمانان، خاندانهای عرب در سند مقیم شدند و به احتمال قوی برخی از خاندانهای ایران نیز در این سرزمین اقامت گزیدند. از آغاز قرن ۳ هجری نفوذ ایرانیان در سند روبه افزایش نهاد و به نظر ابن خردادبه "هذا فرضته من جاء خراسان یرید السند والهند" (۸)

معمد بالله (حک ۲۵۶-۲۷۹ ق / ۷۸۵-۸۹۲ م) خلیفه عباسی، یعقوب بن لیث صفاری (حک ۲۵۴-۲۶۵ ق / ۸۶۸-۸۷۸ ق) رابه حکومت سند منصوب کرد و "در خراسان و سیستان و کابل و سند و هند و فارس و کرمان همه عمال وی (یعقوب لیث) بودند." (۹) پس از درگذشت یعقوب، برادرش عمرو بن لیث (حک ۲۶۵-۲۸۷ ق / ۸۷۸-۹۰۵ م) حاکم سند شد و به دربار خلیفه معتضد عباسی (حک ۲۷۹-۲۸۹ ق / ۸۹۲-۹۰۲ م) هدیه هایی فرستاد که از فتح شهرهای اطراف سند به دست او رسید." (۱۰)

ایجاد حکومت اسماعیلیه در ۳۸۲ ق / ۹۸۳ م در ملتان نشانگر نفوذ فکر و اندیشه ایران در سرزمین سند است، هر چند عقیده براین است که پیشروی مسلمانان به شبه قاره از حملات مسلمانان در قرن اول هجری تازمان امیر سبکتگین (حک ۳۶۶-۳۷۸ ق / ۹۸۶-۹۹۸ م) و پس از وی در روزگار پسرش سلطان محمود غزنوی، یعنی در حدود سه قرن متوقف ماند، ولی با اطمینان می توان گفت که هیچگاه روابط تجاری و فرهنگی در میان ایران و شبه قاره قطع نشد، برای تایید این امر از "قفطی" دو مثال درج می شود. در سال ۱۵۶ ق / ۷۷۳ م شخصی از اهالی هند که در علم حساب مهارت داشت نزد منصور عباسی رفت و یک کتاب

ریاضی را که باخود آورده بود؛ به اونشان داد و منصور فرمان داد که کتاب رابه عربی ترجمه کنند (۱۱) - و نیز در سال ۲۰۸ ق / ۸۲۳ م یک شاعر مسلمان خراسانی که چند زبان شبه قاره رانیز می دانست، قرآن کریم رابه هندی ترجمه کرد - (۱۲)

در عهد غزنویان (۳۵۱-۵۸۲ ق / ۹۶۲-۱۱۸۶ م) در دهه اخیر قرن چهارم هجری طی حملات متعددی بخش بزرگی از شبه قاره به قلمرو آنان اضافه شد (۱۳) و روابط ایران و شبه قاره در این دوره گسترش بیشتری یافت - در اثر حملات متعدد محمود به شبه قاره فرهنگ استفاده از فیل در کارها به ویژه در حمل و نقل و مراسم تشریفاتی و نیز استفاده از آن در جنگ، در ایرانیان رواج یافت، به طوری که در غزنه پیل خانه ای، برای جادادن هزار فیل وجود داشت و گروهی از شبه قاره ای های مقیم غزنه نگهداری آنها رابه عهده داشتند، فرمانده این گروه "مقدم فیل بانان" خوانده می شد که مقام برجسته حاجت راداشت - (۱۴)

نتایج دیگر این حملات شکوفائی و گسترش کار بازرگانی در این دوره و آوردن برده و بهره مندی از کار این بردگان در غزنه بود که مرکزیت اقتصادی آن باعث جلب توجه سوداگران برده، بدان شهر شد - (۱۵) افزون بر آن فرهنگ ایرانی نیز همراه با اسلام از راه حملات محمود به شبه قاره وارد شد - هر چند ترکها در نخستین دوره تسلط مسلمانان بر شبه قاره بازوی اصلی حکومت مرکزی بودند؛ ولی ایرانیان نقش مغز متفکر اشراف مسلمانان حاکم بر شبه قاره را بازی می کردند - (۱۶) از طرف دیگر بسیاری از سربازان

سلطان محمود در شبه قاره ماند گار شدند و بدین راه افزون بر جذب فرهنگ شبه قاره، سبب شدند که آداب و رسوم و فرهنگ و زبان ایرانی را در آن مناطق رواج دهند، از نتایج دیگر حملات سلطان محمود، مسافرت اهل علم به نقاط مختلف شبه قاره و نشر دانش اسلامی و ایرانی در آن سرزمین است. ورود پزشکان نیز در این دوره به شبه قاره آغاز گردید و در دوره های بعد نیز ادامه داشته و پزشکان بسیاری از اصفهان، شیراز، سمرقند و بخارا وارد دهلی و آنجا ماند گار شدند. (۱۷)

مناطق سند، ملتان و لاهور تا دوره غزنوی در قلمرو مسلمانان آمده بود. در دوره غوریان (۵۴۳-۶۱۲ ق / ۱۱۴۸-۱۲۱۵ م) دهلی و مناطق اطراف تا دهانه رود گنگ جزو فتوحات مسلمانان شد، ولی تادوره سلطان محمد غوری (حک ۵۹۹-۶۰۲ ق / ۱۲۰۲-۱۲۰۶ م) تنها حکمرانان دهلی در حمایت وی بر آن مناطق حکمفرمایی می کردند. (۱۸)

پس از درگذشت محمد غوری (در ۶۰۲ ق / ۱۲۰۶ م) افسران ترک نژادوی یکی از غلامانش را به نام قطب الدین ایبک (حک ۶۰۲-۶۰۷ ق / ۱۲۰۶-۱۲۱۰ م) پادشاه هند انتخاب کردند و ایبک نخستین سلسله غلامان (سلاطین مملوک) را به طور مستقل در شبه قاره تشکیل داد.

در دوره غزنوی هر چند اثر و نفوذ فرهنگ ایرانی در شبه قاره شایسته توجه بوده است، ولی سلطان محمود غزنوی، بیشتر توجهش به فتوحات بوده است (۱۹) در حالیکه در دوره محمد غوری و قطب الدین ایبک فرهنگ اسلامی به کوشش و تلاش این پادشاهان و دستگاه دولتی گسترش

بیشتری یافت- (۲۰)

قطب الدین ایبک در تاریخ شبه قاره چه در شجاعت و سخاوت و چه در ادب و فرهنگ دوستی، شهرت فراوان داشت؛ وی برای مدت ۵ سال حکومت کرد و پایه های فرهنگ اسلامی را در شبه قاره استوار کرد- (۲۱) پس از وی پسرش آرام شاه برای مدت کوتاهی بر تخت سلطنت نشست؛ ولی از آنجا که استعداد و لیاقت کشورداری نداشت؛ امیران دربار، شمس الدین التتمش (حک ۶۰۸-۶۳۳ ق/ ۱۲۱۰-۱۲۳۵ م) را برای پادشاهی انتخاب کردند- در دوره وی مغولها سرزمین ایران را مورد تاخت و تاز قرار دادند- التتمش در برابر لشکریان مغول پایداری کرد و شبه قاره را از این فاجعه محفوظ نگه داشت- (۲) در این دوره شبه قاره برای مهاجران ایرانی به شکل پناهگاهی درآمد و بسیاری از مردم ایران و آسیای میانه به آن سرزمین روی آوردند که در میان آنها شخصیت‌های برجسته علمی و ادبی مانند محمد عوفی، سراج الدین منهاج و بدر چاچی نیز وجود داشتند- این ادیبان، نویسندگان و شاعران سبب شدند که فرهنگ و ادب فارسی در شبه قاره رواج یابد و در روابط ایران و آن سرزمین نقش مهمی ایفا کند-

در قرن هشتم هجری، شبه قاره به دست امیر تیمور فتح شد و از این به بعد، بخشی از آن سرزمین تا دیر زیر حکم فرمائی امیران خاندان تیموری ماند؛ تا اینکه در ۹۳۲ ق / ۱۵۲۶ م حکومت مستقل بابریان (۹۳۲-۱۲۷۵ ق / ۱۵۲۵-۱۸۵۷ م) به دست یکی از نوادگان تیمور به نام ظهیر الدین بابر (حک ۹۳۲-۹۳۸ ق / ۱۵۲۶-۱۵۳۰ م) در شبه قاره تاسیس گردید-

دوره بابریان از نظر روابط ایران و شبه قاره یک دورانی است که حساب می آید. در زمینه فرهنگ، ادب تجارت و جز آنها، روابط ایران و شبه قاره به اوج خود رسید، حتی زمانی که همایون، پسر بابر، به دست فرید الدین شیر شاه سوری (د- ۹۵۲ ق / ۱۵۷۵ م) شکست خورد، نخست در سند و پس از آن (۲۳) به ایران پناهنده شد و با کمک شاه طهماسب صفوی (حک ۹۳۵-۹۸۷ ق / ۱۵۲۷-۱۵۷۶ م) به شبه قاره برگشت و در ۹۶۲ ق / ۱۵۵۵ م دهلی را دوباره تسخیر نمود، چنانکه وی شخصاً مدیون پادشاه صفوی ایران بود، در دوره وی روابط ایران و شبه قاره عمیق تر گردید.

دربار پادشاهان سلسله بابریان در طول مدت حکم فرمائی آنان، مرکز تجمع شاعران، ادیبان و امیران بود که از مشهورترین این پادشاهان می شود از بابر، همایون، اکبر، جهانگیر و شاهجهان نام برد. این دوره حکومت مقارن با حکومت سلسله صفویه در ایران بود.

در قرن ۱۳ ق / ۱۸ م که پای کمپانی هند شرقی به شبه قاره باز شد، حکومت بابریان هم با گذشت روزگار روبه انحطاط نهاد و پس از درگذشت اورنگ زیب (۱۱۱۸ ق / ۱۷۰۷ م) یکی از پادشاهان معروف بابریان، که وحدت بی سابقه ای به شبه قاره داد، ولی جانشینان وی برای رسیدن به سلطنت درگیر جنگ های داخلی شدند، که در پی آمد های آن قلمرو بابریان روبه تجزیه نهاد، امیران سیک و هند و فرصت را غنیمت شمرده برضد حکومت مرکزی قیام کردند (۲۴) انگلیسی ها نیز از این جنگ های داخلی بهره بردند و پس از تبعید و درگذشت بهادر شاه ظفر (حک ۱۲۵۳-۱۲۷۵ ق /

۱۸۳۷-۱۷۵۷ م) به رانگون (برمه) دولت بریتانیا عملاً بر شبه قاره چیره شد. اگرچه در دوره استیلای انگلیسیها گاه گاهی شورش هایی از طرف مسلمانان برمی شد که از جمله آنها می توان از جنگهای تیپو سلطان با اشغالگران بریتانیایی نام برد که مدتها علیه انگلیسیها در جنوب شبه قاره از خود قهرمانیها نشان داد، ولی این قیامها موفقیت چندانی نداشت، تا سرانجام در نتیجه ناتوان شدن انگلیسیها بر اثر جنگ جهانی دوم (در ۱۳۳۲ ق / ۱۹۳۹ م) دست آنها از شبه قاره کوتاه شد و این سرزمین به دو کشور مستقل به نامهای بهارت (هندوستان) و پاکستان تقسیم گردید و با از میان رفتن حکومت انگلیسیها در شبه قاره راههای تازه برای گسترش هرچه بیشتر روابط ایران و شبه قاره باز شد. عمق و استواری روابط میان ایران و پاکستان خیلی بیشتر از دوره های پیشین است.

پانوشت ها و منابع

- ۱- آریا، غلام علی، طریقه چشتیه در هند و پاکستان، تهران، ۱۳۷۵ ش، صص ۱۱-۱۲
- ۲- اکرام، محمد، آب کوثر، لاهور، ۱۹۹۲ م، صص ۲۰-۲۱
- ۳- شبلی، محمد صدیق خان، تاثیر زبان فارسی بر زبان اردو، اسلام آباد، ۱۳۷۰ ش، ص ۷
- ۴- بلاذری، فتوح البلدان، به کوشش دخویه، بریل ۱۸۶۳ م، ص ۴۳۶
- ۵- ابن خرداد به، عبیدالله بن عبدالله، المسالك والممالك، به کوشش دخویه، لیدن ۱۸۸۹ م، ص ۱۳۱
- ۶- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، تهران، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۱۱
- ۷- ذکاء الله، محمد، تاریخ هند، ج ۱، دهلی، ۱۹۰۷ م، ص ۱۸۶
- ۸- ابن خرداد به، ص ۵۵

- ۹- تاریخ سیستان، ناشناس، به کوشش محمد تقی بهار، تهران، ۱۳۳۹
ش، ص ۲۳۳
- ۱۰- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب والمعان الجواهر،
پاریس، ۱۸۶۳ م، ص ۳۳۷
- ۱۱- ابن قفطی، تاریخ الحکما، به کوشش بهمن دارابی، تهران، ۱۳۴۷
ش، ص ۳۷۱
- ۱۲- دریایی، ابوالفضل، تاثیر فرهنگ و هنر ایران در شکل گیری
مکتب نقاشی هند و ایرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد در
دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۰
- ۱۳- خواند امیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، حبیب السیر،
ج ۲، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۵۳ ش، ص ۳۷۸
- ۱۴- باسورث، کلیفورد ادموند، تاریخ غزنویان، ج ۱، ترجمه حسن
انوشه، تهران، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۱۶
- ۱۵- همو، ج ۱، ص ۷۶
- ۱۶- ارشاد، فرهنگ، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، تهران، ۱۳۶۵ ش،
ص ۱۱۶
- ۱۷- سراج عقیف، شمس الدین، تاریخ فیروزشاهی، کلکته، ۱۸۹۰ م،
ص ۳۵۲-۳۶۶
- ۱۸- لین پول، استانلی، طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال،
تهران، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۶۵
- ۱۹- اکرام، آب کوثر، ص ۸۹
- ۲۰- همو، ص ۹۰
- ۲۱- بناکتی، فخر الدین ابوسلیمان، تاریخ بناکتی، به کوشش
جعفر شعار، تهران، ۱۳۴۷ ش، صص ۲۲۹، ۳۲۲، ۳۳۶
- ۲۲- اکرام، آب کوثر، صص ۹۹-۱۰۰
- ۲۳- لین پول، ص ۲۹۳
- ۲۴- حکمت، صص ۵۵-۵۶